

روابط فرهنگی ایران و شبه قاره قبل از اسلام

☆ دکتر اعجاز احمد ندیم ☆

Abstract:

Iran and subcontinent enjoy centuries long cordial and friendly literary and cultural relations. Even before the advent of Islam the traces are found that these two had geographical and cultural ties. In this article the scholar has evaluated the cultural relation between Iran and subcontinent in pre-Islamic Era.

Key Words: Iran, Subcontinent, Cultural relations, Pre-Islamic Era.

چون ایرانیان و مردم شبه قاره از روزگار کهن باهم آشنا و از کشور هم با خبر بوده اند بنا بر این مدت ها بایکدیگر گاهی به صورت دوستان مشترک در کنار و گاهی به صورت دشمنانی در حال جنگ بر خورد کرده اند. در کتاب "ریگ ودا" از کشور ایران و در "اوستا" از سرزمین هند یاد شده است. در آن دو کتاب اشتراکات فراوانی وجود دارد، زبان وداها و زبان اوستا از ریشه هندو آریائی به وجود آمده اند. تجارت نیز یکی از عمده ترین پیوستگی های مشترک بین دو کشور به شمار می رود. از عهد قدیم روابط تجاری نه فقط میان ایران و هند برقرار بوده است بلکه تجارت بین هندو اروپا نیز از طریق ایران انجام می شد. (۱)

به علت آمد و رفت مردم این اقوام به تاثیر فراوانی بر رسومات یکدیگر، گذاشتند، مانند در موسیقی ایران نشانه هایی از موسیقی هندی و یونانی می توان یافت و سبک معماری هند، یادگار عمده ای از هنر ایرانیان قدیم است که در شبه قاره، باقی مانده است، فردوسی در شاهنامه جا بجا از تیغ هندی و شمشیر هندی و ذیح هندی ذکر کرده است طبق شاهنامه روابط ایران و شبه قاره از عهد پیشدادیان آغاز شده است.

روابط فرهنگی در عهد عیلامی ها:

نخستین نشانه از پیوندهای مشترک بین ایران و هند که تا اکنون شناخته شده است تجارت اشیاء ساخته شده از عاج و از سنگ لاجورد، می باشد که بین این دو کشور در عهد عیلامی ها صورت گرفت. (۲) درباره این روابط تجارتنی و فرهنگی، در تاریخ عیلام آمده است: "این کشور (عیلام) با هند نیز روابط تجارتنی و در نتیجه فرهنگی داشته و از بعضی از مهرهای استوانه ای و تکه سنگهایی که روی آنها به طریق گود حکاکی شده، از هند به این سر زمین آمده و بر عکس در دره های سند، مهر استوانه ای و لوازم آرایشی عیلامی ها مورد تقلید قرار گرفته است" (۳) آثار تمدن ماهنجدارو و هاراپا که با تمدن مصر و مسوپونامبا همزمان بوده است، نشان می دهد که حدود ۲۵۰۰ ق.م ارتباط فرهنگی بین مردم آن ناحیه و ایرانیان وجود داشت، بنا بر تشابهی که اشیاء مکشوفه در آن خرابه ها، با آنچه که در ایران کشف شده، به دست آمده می توان گفت که ارتباط و پیوستگی مردم هند و ایران در عهد عیلامی ها قطعی بوده است. (۴) در این شباهت زیادی بین افکار مذهبی ایرانیان و افکار دینی بومیها هند، وجود داشت (۵)، بنا به گفته اصغر علی حکمت در هزاره سوم قبل از میلاد ساکنین بین النهرین و جنوب ایران و غرب و شمال هندوستان، همه از يك نژاد و دارای يك تمدن و يك فرهنگ بوده اند (۶)، این رابطه فرهنگی در حدود ۱۵۰۰ ق.م با ورود آریاها به شبه قاره، محکم تر می شود. آریاییهای که به هند رفته اند با آریاییهای ایرانی مانند دو برادر قرنها در يك ناحیه در کنار یکدیگر زندگی می کرده اند (۷). و بنا به گفته مجید یکتایی علت کوچ آریاها به هند اختلاف دینی با ساکنان فلات ایران بود (۸) تشکیلات اجتماعی دو طرفه از آریاییها ایران و شبه قاره دارای روش مشترک

بوده است، محقق طبقات مشترک مردم باستان را بدینگونه آورده اند:

طبقات در ایران	طبقات در شبه قاره
۱- روحانیان	برهمنان
۲- نیساریان (جنگاوران)	کشتریاها (جنگاوان)
۳- نسودی (کشاورزان)	ویسایا (کشاورزان)
۴- اهنوخوشی (پیشه وران)	سودراها (افراد زیر دست و پائین) (۹).

روابط فرهنگی در عهد هخامنشیان:

در دوره هخامنشیان (۵۴۶ ق.م - ۳۳۰ ق.م) ایرانی ها به هند حمله کردند و سند و پنجاب نیز جزو دولت با شکوه کوروش کبیر (از ۵۴۵ ق.م - ۵۳۹ ق.م) در آید (۱۰)، بعد از وی داریوش به سال ۵۱۲ ق.م به هند هجوم برد و منطقه ای را که امروز بخش عمده پاکستان را تشکیل می دهد تسخیر نموده و آنجا را به صورت بیستمین ساتراپ هخامنشیان در آورد (۱۱) و تیکسلا شهر مرکزی استان بزرگ ایران بود. و این منطقه تا انقراض سلطنت هخامنشیان جزو قلمرو ایرانیان بوده این فتوحات سبب شد که سالها پول و ثروت هند داخل خزانه هخامنشیان می شد، فرهاد آبادانی نوشته است که یک سوم طلائی که به خزانه شاهنشاهی ایرانی می رسید از کشور هند بود (۱۲). آثار باستانی که در شهر تیکسلا که در آن زمان مرکز عمره فرهنگ و علم و دانش بود، کشف شده، چون معماریها و حجاریها به سبک ایران بود، نشان می دهد که نفوذ تمدن و هنر ایرانی در آن دوره، در آنجا بسیار بود (۱۳). در عهد هخامنشیان، بازرگانی، سرداران در هر دو کشور آمد و رفت آزادانه داشتند و سربازانی از ناحیه ای قندهار، سند در زمان خشایارشا از طرف ایرانیان در مقابل یونانیان جنگ کرده اند (۱۴). بعد از ناکامیهای خشایارشا، هند از اطاعت حکومت مرکزی ایران خارج شد اما حکومت ایران برسند تا زمان ۳۲۵ ق.م ادامه داشت (۱۵).

شواهدی موجود است که پزشکان هندو یونان در خدمت هخامنشیان مشغول کار بودند (۱۶). در قرن قبل از میلاد، مردم شبه قاره، در نگارش خود از خط خروشی/خرشتی که اصل آن ایرانی و آرامی است استفاده می کردند (۱۷). اثر کار

هنرمندان ایرانی که قبل از انقراض دولت هخامنشیان به شبه قاره رفتند، در تمام مظاهر فن و هنر در آنجا یادگار مانده است (۱۸). سبط حسن رضوی آن هنرمندان را بانیان سبک معماری هند خوانده است (۱۹).

تجارت در شبه قاره تا زمان داریوش کبیر به وسیله مبادله انجام می شد اما وقتیکه وی پول سکه را که قبلاً در کشور لیدیه رواج یافته بود اختراع کرد، بازرگانان شبه قاره نیز از این تحول جدید استفاده بردند. اینجا است که ما در آنجا اولین بار اجراء يك نوع سکه ای محلی را می بینیم از این به بعد پول سکه ای در سراسر بازار تجارت و بازرگانی آن منطقه رواج یافت. همینطور در شبه قاره يك سیستم معیاری کردن وزن نیز به وسیله هخامنشیان گرفت و اینجا هخامنشیان بودند که سیستم جدید آبیاری را نیز در آنجا به وجود آوردند. بنا به گفته احمد حسن دانی امروز هنوز هم آبیاری با چرخ ها پارسی (Persian Wheel) مشهور و زبان زد است (۲۰).

بعد از دوره هخامنشیان، شواهدی موجود است که هنرمندان ایرانی در اثر حمله اسکندر یا با اتفاق ایشان در هند پناه آورده و ماندگار شده اند و صنایع دستی و هنر ایران در آنجا رواج داده اند (۲۱).

روابط فرهنگی در عهد سلوکیان:

اسکندر مقدونی یکی از معروفترین سرداران جهان به شمار می آید. وی پسر فلیب پادشاه مقدونیه بود. اسکندر به ۲۰ سالگی پس از مرگ پدر به تخت مقدونیه جلوس کرد. اسکندر جوان مغروری بود و می خواست تمام جهان را تصرف کند و تمدن یونان را در سراسر گیتی ترویج دهد. اسکندر به سال ۳۲۶ ق.م نیز از طرف ایران به هند حمله کرد اما وی بزودی بر اثر فشار لشکریان خویش برگشت (۲۲). پس از اسکندر، سلیکوس و جانشینان در ایران به سنه ۳۱۲ ق.م سلسله ای را تشکیل دادند که آنرا سلوکیان می نامند. روابط سلیکوس با حکمفرمایان هند حسنه بود و پادشاهان سلوکی نیز برای توسعه رواج تجاری ایران و هند کوشش فراوان کرده اند (۲۳). در نتیجه آن ارتباط بین هند و روم آغاز گردید (۲۴).

روابط فرهنگی در عهد موریان هند:

وقیکه اسکندر از هند برگشت چند را گوپتا که با اسکندر مقدونی ملاقات نیز کرده بود به هند تسلط پیدا کرد و سلسله موریان را در اینجا بنا نهاد. گویند که سلیکوس به سال ۳۰۵ ق.م به هند حمله برد و از چند را گوپتا شکست خورد بعد از آن سلیکوس دختر خویش را به چند را گوپتا به زنی داد و با او صلح کرد (۲۵) چند را گوپتا در عهد خود دین بودائی را رواج داد. موریان نیز امور اداری را به روش هخامنشیان انجام می دادند (۲۶) در نتیجه آن در عهد موریان، ایران در هند نفوذ عمیق پیدا کرده بود. چنانچه در رسوم و آداب و اوضاع زندگانی مردم مشابهات زیادی به نظر می رسد. پادشاهان موریان مانند پادشاهان هخامنشیان موی سر خود را در روزهای تولد شان به طور رسم شاهی می شستند و جشنی در تالار صد ستون برگزار می کردند و به امراء و اعیان مملکت يك خلعت می بخشیدند (۲۷)، خاندان موریان در تماس با ایرانیان و هنر و فرهنگ ایران اقتباس ها کرده است، در صفاریهای که به حدود ۱۳۱۴ هـ.ق/ ۱۸۹۶ م در شهر پاتلی پوترا (بایتخت پادشاهان موریان) پیدا شده است، در زمینه معماری سالن صد ستون به سبک سالن صد ستون تخت جمشید شناخته شده است (۲۸). دیگر از دلایل ارتباط این دوره، ستونهای سنگی یکپارچه آشوکا (نوه چند را گوپتا) می باشد که به ستونهای کاخ داریوش و خشایارشا شباهت دارند (۲۹) همچنین کتیبه نگاری آشوکا که به سال ۲۵۰ ق.م صورت گرفت، نشان می دهد که وی این عمل را از کتیبه بیستون داریوش که به سال ۵۱۸ ق.م نقر شده بود، تقلید کرده و به ذوق و سلیقه هندی در آن کتیبه تغییراتی داده است (۳۰). کتیبه هایی که به حکم آشوکا در کوههای شهباز گرهی و مانسهره نوشته شده اند دارای مطالب اخلاقی و مربوط به دین بودایی می باشند (۳۱) آشوکا گروههای مذهبی بودائی را به منظور تبلیغ به سایر نقاط دنیا گسیل کرد (۳۲) در همان روزهای دین بودائی در ایران رواج و رونقی بسیار یافته بود و چند تن از بزرگان اشکانی هم بدست تعدادی از مبلغان دین بودایی که آشوکا به ایران فرستاده بود مذهب بودایی را قبول کردند (۳۳) مذهب بودائی بعد از آشوکا در زمان پادشاهان کوشانی نیز به ناحیه غربی ایران راه یافته بود (۳۴).

روابط فرهنگی در عهد کوشانی هند:

علاوه بر موریان در هند دولتی که سکاها تشکیل دارند دولت کوشانی نامیده شد در آن زمان خراسان نیز جزو قلمرو ایشان بوده است. زمانی که کوشانیها رسیدند مذهب بودا را که یکی از مذاهب رایج در آن کشور بود پذیرفتند. از آن پس آنها دین بودا را در شرق ایران تبلیغ می کردند و از آنجا که اشکانیان تعصب دینی نداشتند بعضی از مردم ایران پیرو آن دین شدند تبه سلك (کاشانی فعلی) محل برخورد دو تمدن هندی و ایرانی بوده است (۳۵).

روابط فرهنگی در عهد اشکانیان:

اشکانیان سلسله ایست از پادشاهان ایران که بعد از سلوکیان و قبل از ساسانیان در ایران فرمانروائی کردند. عموماً پادشاهان این سلسله به مناسبت نام مؤسس آن که "اشک" نام داشت عنوان "اشک" را براسم خود مقدم می داشتند و باین جهت آنان را "اشکانیان" گفته اند. در دوره اشکانیان مهر دادا اول اشکانی (۱۷۴ ق.م - ۱۳۶ ق.م) نیز بر شهرهای واقع بین سند ورود جهلم امروز تسلط پیدا کرد (۳۶) آئین مهرپرستی نیز در عهد اشکانیان در شبه قاره رواج پیدا کرده بود (۳۷) در اشکانیان راه های تجاری برای هند و چین درست کردند (۳۸) برخی بر آن اند که هدف مبارزه روم علیه بلاش دوم و بلاش شوم این بود که این جاده های بارزگانی را بدست بیاورند (۳۹). ظروف به سبک ایرانی و سکه هائی مربوط به زمان اشکانیان در حفاریهایی که در شهر بهنور نزدیک کراچی به عمل آمده پیدا شده ، نفوذ اشکانیان را در آن سرزمین نشان می دهند (۴۰).

روابط فرهنگی در عهد ساسانیان:

ساسانیان سلسله ای است از شاهنشاهان که از ۲۲۴ تا ۶۵۲ م در ایران سلطنت کردند مؤسس این سلسله اردشیر بابکان است. ساسان جد اردشیر بود از این سبب این سلسله را ساسانیان نامنده اند در این سلسله ارتباط ایران و شبه قاره به اوج می رسد. در این عهد بهرام دوم افغانستان، پیشاور ، سیستان و سند را تحت تسلط خود در آورد در زمان بهرام پنجم (۴۲۰ - ۴۳۸ میلادی) هم سند و مکران جزو قلمرو ایرانیان

گردید ، پس از آن خسرو اول انوشیروان (۵۷۹-۵۳۱م) سند و پنجاب و همالیا را به تسلط خود در آورد (۴۱).

در این عهد روابط ادبی نیز آغاز گردید، ذبیح الله صفا از قول ابن ندیم می گوید که اردشیر بابکان (متوفی: ۲۴۱ میلادی) برای جمع آوری کتب از هند کوشش بسیار کرده است (۴۲). در عهد وی بسیاری از کتب علمی و طب و فلسفه و منطق از زبان سانسکرت و یونانی به زبان پهلوی ترجمه گردید (۴۳). سکه هایی که متعلق به قرن سوم میلادی در پنجاب کشف شد، شباهت زیادی به سکه های ایرانی در زمان اردشیر بابکان دارند (۴۴).

شاپور ذوالاکتاف (۳۸۹-۳۱۰م) بزرگ معروف هندی را به ایران دعوت کرد و او علاوه بر معالجه ، طب را نیز در ایران تدریس می کرد. گویند که رئیس بیمارستان گندی شاپور، یکی از پزشکان هندی بنام دهشتک بود و علاوه بر او کنکه یا کنکا و گروهی دیگر از پزشکان هندی همراه با ایرانیان و یونانیان در این بیمارستان کار می کرد (۴۵).

هرمز ثانی دختر یکی از پادشاهان سلسله کوشانی را که در هندوستان غربی و قندهار حکومت می کرد، به زنی گرفت (۴۶).

در عهد بهرام پنجم معروف به بهرام گو، موسیقی هندی در ایران نفوذ پیدا کرد و بسیاری از نوازندگان بنام "لوریان" از طرف راجه سنگل فرمانروائی هند به ایران رسیدند فردوسی درباره این حکایت سروده است:

به خندید از آن نامه بسیار شاه
هیونی بر افکند پویان به راه
به نزدیک سنگل فرستاد کس
چنین گفت کای شاه فریاد رس
از آن لوریان برگزین ده هزار
نرو ماده بر زخم بربط سوار
که استاد بر زخم دستان بود

وز آواز او رامش جان بود
چونامه به نزدیک شنگل رسید
سر از فخر پر چرخ برتر کشید
همان گاه شنگل گزین کرد زور
ز لوری کجا شاه فرمود بود (۴۷)

در عهد خسرو اول انوشیروان، بر زو به حکیم که در جست و جو اکسیر حیات به شبه قاره رفته بود، از آنجا کتاب "کلیله و دمنه" را به ایران آورد و این کتاب را به پهلوی ترجمه کردند. بعدها عبدالله بن مقفع آنرا به زبان عربی برگردانید. سپس رودکی آنرا به زبان فارسی در شعر در آورد و پس از آن نصر الله بن محمد بن عبدالحمید منشی به نثر فارسی ترجمه کرد، حسین واعظ کاشفی نیز آنرا به نام "انوار سهیلی" ترجمه کرده بود (۴۸) شهریار نقوی از رساله "مادیگان چترنگ" (رساله شطرنج) نقل کرده است که شطرنج نیز از هند به ایران آمده (۴۹) که علاوه بر کلیله و دمنه شطرنج و خضاب هند نیز برای انوشیروان از هند آورده بودند (۵۰).

در تاریخ طبری آمده است که "فرمیثا" شاه هندی هدایای زیادی برای خسرو پرویز (۶۲۸-۵۹۰ میلادی) و پسرش شیرویه دست سفیری به دربار ایران فرستاد. وی علاوه بر یک زنجیر فیل و باز سفید و پارچه دیپاه نامه ای به خدمت شیرویه فرستاد که در آن نامه پیشگویی کرده بود که بعد از خسرو پرویز، تخت پادشاهی ایران به شیرویه خواهد رسید (۵۱). خسرو پرویز سفیدی به دربار پولاکسن دوم پادشاه دکن و هند جنوبی روانه کرد و هدایای نیز فرستاد (۵۲) گمان می رود که این همان سفیری است که در یکی از غارهای اورنگ آباد، با اتفاق چند نفر دیگر باریش، لباس ایرانی پوشیده و کلاه مخروطی بر سر نهاده هدایایی از قبیل رشته مروارید و شیشه شراب در دست نقاشی شده است (۵۳) علی اصغر حکمت این نقاشی را برجسته ترین نمونه نقش پارسی بر احجار هندی خوانده و نوشته است: "غارهای معروف اجانانتا (Ajanata) در نقاشیهای سقف و دیوار غارهای شماره یک و شماره دو می باشد که تاریخ آن اوایل قرن هفتم میلادی است، در آنجا تصویر اعزامی از دربار خسرو پرویز را

می پذیرد، جامه ها، اسلحه و زینت آلات و چهره و اندام ایرانیان در آنجا به خوبی مشهور می باشد. طبری نیز در تاریخ عظیم خود به اعزاز این سفارت اشاره کرده است“ (۵۴).

مانی بنیانگذار آیین مانوی، نیز در همین عهد از طریق کشمیر به تبت و چین می رود و تازمانی که در آنجا قیام کرد، دین خود را تبلیغ می کرد و بعد از آن پیروان وی مدتی در آن سرزمین به سر بردند (۵۵). مسیحیت در همین عهد از طریق ایران و به وسیله مبلغین ایرانی در هند رواج یافت (۵۶). بعضی از کتبه های پهلوی دوره ساسانیان در هندوستان نفوذ مذهب مسیحیت را در آنجا نشان می دهند (۵۷). بنا به گفته دکتر چندر شیکر: ”روش و شیوه پرستش ایرانیان قدیم امروز هم در اهالی هند باعث توجه و قابل ملاحظه است، آفتاب پرستی و شیوه آتش پرستی هندوان شبیه آتش پرستان پارسیان و ایرانیان قدیم بوده است“ (۵۸). در اواخر دوره ساسانیان، وقتیکه مسلمانان به ایران هجوم آوردند گروهی از زرتشتیان ایران وارد شبه قاره شدند و در کوه کتھری واقع در ۲۵ میل شهر بمبئی، پنج کتیبه به پهلوی به عنوان یادگار از خود به جای گذاشتند (۵۹).

سکه های که در قرون هفتم تا دوازدهم میلادی در هندوستان رواج داشت از حیث وزن و عیار و نقش نگار از روی مسکوکات زمان ساسانیان اقتباس گردیده است (۶۰) علی اصغر حکمت از قول محقق و عالم فرانسوی نقل کرده است: ”این نواحی که در قرون قبل از میلاد تا یک قرن بعد از میلاد بنام ”هند سفید“ نزد مورخین معروف است پیوسته تا زمان فتوحات اسلام دائماً در تحت نفوذ فرهنگی ایران بوده اند“ (۶۱).



حواشی

- ۱- بان، گستاؤلی، تمدن هند، مترجم سید علی بلگرامی، مقبول اکادمی، لاہور ۱۹۶۲ میلادی، ص: ۲۲۷.
- ۲- گون آلتان، شمس الدین، "تمدن و فرهنگ عیلام" مترجم داور اصفہانیان و حید، سال: ۱، شماره: ۳، ص: ۳۲۲.
- ۳- پیر آمیہ، تاریخ عیلام، مترجم شیرین بیانی، انتشارات دانشگاهی، ۱۳۴۹ خورشیدی، ص: ۲.
- ۴- آذری، علاء الدین، روابط ایران و هند در عہد باستان، بر رسہای تاریخی سال: ۱۶، شماره: ۴، ص: ۱۱۵.
- ۵- نقوی، شہریار، ہمبستگی های دیرین ایران و پاکستان، بر رسہای تاریخی، سال: ۳ شماره: ۱۰، ص: ۹۲.
- ۶- حکمت، علی اصغر، سر زمین ہند، تہران، ۱۳۳۷ خورشیدی، ص: ۳۷.
- ۷- مشکور جواد، سیر اندیشہ های دینی در ایران، انتشارات مطالعات و ہماہنگی فرهنگی، تہران، ۱۳۵۵ خورشیدی، ص: ۱.
- ۸- یکتایی، مجید، نفوذ فرهنگ و تمدن ایران و اسلام در سر زمین ہند و پاکستان، ۱۳۵۳ خورشیدی، ص: ۴۵.
- ۹- آذری، علاء الدین، سال ۱۶، شماره: ۴، ص ۱۱۳-۱۱۲.
- ۱۰- رازی، عبداللہ، تاریخ کامل ایران، انتشارات اقبال، تہران، چاپ پنجم، ۱۳۶۲ خورشیدی، ص: ۲۱.
- ۱۱- گیہان، مسعود، جغرافیای مفصل ایران، تہران، ص: ۱۵.
- ۱۲- آبادانی، فرہاد، نگاہی بہ روابط ایران و ہند قدیمترین از منہ تاریخ، و حیدہ سال: ۱۶، شماره: ۲۴۳، ص: ۳۸.
- ۱۳- فرہنگ ارشاد، مہاجرت تاریخی ایران بہ ہند، موسسہ مطالعات و تحقیقات فرہنگی، چاپ اول، ۱۳۶۵ خورشیدی، ص: ۶۷.
- ۱۴- دانی، احمد حسن، عصر ہخامنشی و میراث فرہنگی پاکستان مترجم حسین و ثوفی، ہلال، ج: ۱۶، شماره: ۸، ص: ۱۱.
- ۱۵- عبداللہ، سید، ادبیات فارسی در میان ہندوان، مترجم محمد اسلم خان، تہران، ۱۳۷۱ خورشیدی، ص: ۲۲.
- ۱۶- نقوی، شہریار، سال ۳، شماره: ۱، ص: ۱۲۳.

- ۱۷- حکمت ، علی اصغر، ص: ۱۸
- ۱۸- همان، ص: ۲۲
- ۱۹- رضوی ، سبط حسن ، سیر روابط فرهنگی ، هلال ، سال: ۱۱ ، شماره ۸ ، ص: ۳۵
- ۲۰- دانی ، احمد حسن ، جلد: ۱۶ ، شماره: ۸ ، ص: ۱۲-۱۳
- ۲۱- حکمت ، علی اصغر، ص: ۴۱
- ۲۲- پیگولو سکایا ، تاریخ ایران ، مترجم کریم کشاورز، پیام ، تهران: ۱۳۵۴ خورشیدی، ص: ۵۲
- ۲۳- آذری ، علاء الدین ، سال: ۱۶ ، شماره: ۴ ، ص: ۱۱۵
- ۲۴- حکمت ، علی اصغر، سرزمین هند، ص: ۲۱
- ۲۵- مشایخ فریدی، محمد حسین، تاریخ مختصر هند و روابط سیاسی و ادبی آن با ایران ، پایان نامه دوره دکتری ، دانشگاه تهران ، ۱۳۳۶ خورشیدی، ص: ۶۴
- ۲۶- نقوی، شهریار ، ج: ۳، شماره: ۱، ص: ۹۴
- ۲۷- همان، جلد : ۳، شماره : ۱، ص ۹۱
- ۲۸- حکمت ، علی اصغر، ص: ۳۹
- ۲۹- نقوی، شهریار ، ج: ۳، شماره: ۱، ص: ۹۴
- ۳۰- حکمت ، علی اصغر، ص: ۴۰
- ۳۱- نقوی، شهریار ، ج: ۳، شماره: ۱، ص: ۹۴
- ۳۲- آبادانی ، فرهاد ، سال: ۱۶ ، شماره: ۲۴۳ ، ص: ۳۸
- ۳۳- آذری، علاء الدین ، سال : ۱۲ ، شماره: ۴، ص: ۱۲۹
- ۳۴- آبادانی ، فرهاد ، سال ۱۲ ، شماره ۲۴۳ ، ص: ۳۸
- ۳۵- حکمت ، علی اصغر، ص: ۳۶
- ۳۶- مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، مشهد ، ج: ۸، ص: ۳۵۹
- ۳۷- آذری، علاء الدین ، سال : ۱۶ ، شماره: ۴، ص: ۱۲۹
- ۳۸- پیگولو سکایا، ص: ۴۹
- ۳۹- نقوی ، شهریار، جلد: ۳، شماره : ۱، ص: ۹۱
- ۴۰- همان، جلد : ۳، شماره : ۱، ص ۹۱
- ۴۱- مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، مشهد، جلد: ۸، ص: ۳۵۹
- ۴۲- صفاء، ذبیح الله ، تاریخ ادبیات در ایران ، جلد: ۱، ص: ۹۵
- ۴۳- دبیری نژاد، بدیع الله، فرهنگ و تمدن ایران در عصر ساسانی ، وحید، سال: ۱۰، شماره: ۸، ص: ۸۶۴

- ۹۴ - نقوی، شهریار، سال: ۳، شماره: ۱، ص ۹۴
- ۹۵ - آذری علاء الدین، سال: ۱۶، شماره: ۴، ص ۱۳۲-۳۳
- ۹۶ - نقوی، شهریار، سال: ۳، شماره: ۱، ص: ۹۲
- ۹۷ - حکمت، علی اصغر، ص: ۳۰
- ۹۸ - آبادانی، فرهاد، سال: ۱۲، شماره: ۲۴۳، ص: ۹۵
- ۹۹ - نقوی، شهریار، سال: ۳، شماره: ۱، ص ۹۵
- ۱۰۰ - همان، سال: ۳، شماره: ۴: ۱۳۹
- ۱۰۱ - همان، سال: ۳، شماره: ۱، ص: ۹۲
- ۱۰۲ - آذری، علاء الدین، سال: ۱۶، شماره: ۴، ص: ۴۱
- ۱۰۳ - نقوی، شهریار، سال: ۳، شماره: ۱، ص: ۹۵
- ۱۰۴ - حکمت، علی اصغر، نقش پارسی بر احجازهند، تهران، چاپ: ۲، ۱۳۳۷ خورشیدی، ص: ۸-۷
- ۱۰۵ - رازی، عبدالله، ص: ۱۱۱
- ۱۰۶ - حکمت، علی اصغر، سرزمین هند، ص: ۲۱
- ۱۰۷ - همان، نقش پارسی بر احجازهند، ص: ۹
- ۱۰۸ - شیکر، دکتر چندر، تحفظ میراث فرهنگی توسط تراجم متون فارسی بر زبان هندی، مجموعه سخنرانی های نخستین سمینار، پیوستگهای فرهنگی ایران و شبه قاره مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، ۱۳۷۳ خورشیدی، جلد: ۱، ص: ۳۳۳
- ۱۰۹ - آذری، علاء الدین، سال: ۱۶، شماره: ۴، ص: ۱۱۵
- ۱۱۰ - حکمت، علی اصغر، نقش پارسی بر احجاز هند، ص: ۹
- ۱۱۱ - همان، سرزمین هند، ص: ۴۳

